




Explaining the power of the Islamic Republic of Iran based on the concept of "Power Currency"

Jafar Naghdi

Assistant Professor, International Relations, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Email: j.n2077@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Understanding power in the Islamic Republic of Iran is difficult both in terms of conceptual complexity and due to the multi-layered nature of the policy-making process. Looking at power as “resource” or “behavior” can help to understand it. In fact, this research seeks to answer the question that how can power in the Islamic Republic of Iran be explained on the “Power currency” concept? For answer the question, the characteristics of this new concept of power were analyzed and it was found that the power currency can be represented in three aspects of brilliance, benignity and beauty (3B), and each of them shows a part of the preciousness of power. The descriptive-analytical research method was used to collect data from library sources and documents. Based on this method, first, the concept of power currency was examined as a theoretical framework so that it can be applied to the power of the Islamic Republic of Iran by deducing the axes of this concept. The results of the research showed the power of the Islamic Republic of Iran in 4 political, cultural-social, defense-military and economic dimensions (4) and components (19) and indicators (28) (power currency) can be explained in three aspects of brightness, benignity and beauty.

Keywords: power currency, power resources, power of the Islamic Republic of Iran, brilliance, benignity, beauty.

E-ISSN: 2588-6541 / Center for Strategic Research / Quarterly of Foreign Relations
Quarterly of Foreign Relations is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



 10.22034/fr.2024.407466.1416

تبیین قدرت جمهوری اسلامی ایران بر پایه مفهوم «ارز قدرت»

جعفر نقدی

نویسنده مسئول، استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

Email: j.n2077@gmail.com

id 0000-0000-0000-0000

چکیده

فهم قدرت در جمهوری اسلامی ایران هم به لحاظ پیچیدگی مفهومی و هم به دلیل چندلایگی فرایند سیاست‌گذاری راهبردی امری مشکل است. نوع نگاه به قدرت به‌مثابه «منبع» یا «رفتار» می‌تواند به فهم آن کمک کند. در واقع، این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که قدرت در جمهوری اسلامی ایران بر پایه مفهوم نوینی به‌نام «ارز قدرت» که اشاره به تفکیک‌گذاری قدرت به‌مثابه «منبع» یا «رفتار» دارد، چگونه قابل تبیین است؟ برای پاسخ به این سؤال، ویژگی‌های این مفهوم جدید از قدرت مورد واکاوی قرار گرفت و مشخص شد که ارز قدرت در قالب سه وجه درخشندگی، شفقت و زیبایی قابل‌بازنمایی بوده و هریک از آن‌ها یک‌بخشی از ارزنده بودن قدرت را نشان می‌دهند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است که برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اسناد استفاده گردید. بر مبنای این روش تلاش شد ابتدا مفهوم ارز قدرت به‌عنوان چهارچوب نظری مورد تدقیق قرار گرفت تا بتوان با استنتاج محورهای این مفهوم، آن را در مورد قدرت جمهوری اسلامی ایران کاربرت داد. نتایج تحقیق نشان داد قدرت جمهوری اسلامی ایران در ۴ بُعد سیاسی، فرهنگی-اجتماعی، دفاعی-نظامی و اقتصادی و ۱۹ مؤلفه (۶ مؤلفه بُعد سیاسی، ۵ مؤلفه بُعد فرهنگی-اجتماعی، ۴ مؤلفه بُعد دفاعی-نظامی و ۴ مؤلفه بُعد اقتصادی) و ۲۸ شاخص (ارز قدرت) در سه وجه درخشندگی، شفقت و زیبایی قابل تبیین است.

کلیدواژه‌ها: ارز قدرت، منابع قدرت، قدرت جمهوری اسلامی ایران، درخشندگی، شفقت، زیبایی.

مقدمه و بیان مسئله

قدرت از مفاهیم سهل و ممتنع در ادبیات روابط بین‌الملل است؛ سهل از این جهت که منابع بسیاری در مورد آن وجود داشته و تعاریف متعددی از ابعاد مختلف آن شده است؛ ممتنع از این حیث که به دلیل گستردگی و چندلایه بودن آن، جمع‌بندی و دستیابی به یک اجماع مفهومی در مورد آن کاری بسیار دشوار و شاید ناممکن است. این موضوع زمانی خود را بیشتر نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران یک کشور بخواهند بر مبنای مقدمات یا توانمندی‌ها راهبرد تدوین کنند؛ تازه آن زمان مشخص می‌شود که درک و فهم صحیح و جامعی در سطوح تصمیم‌گیری از توانمندی یا به عبارتی قدرت وجود ندارد. این نکته در مورد کشورمان نیز صدق می‌کند. تبیین دقیق از مفهوم قدرت در جمهوری اسلامی ایران، شناخت منابع قدرت، عملکرد قدرت، ابعاد و مؤلفه‌های قدرت، علل پیشینی و پسینی قدرت، علت یا معلول بودن قدرت و مهم‌تر از همه شناخت ارزندگی قدرت و ویژگی‌های ارزنده بودن آن از جمله موضوعات و مسائلی است که نشان می‌دهد فهم قدرت در جمهوری اسلامی چه در حوزه مفهومی و چه در حوزه سیاست‌گذاری تا چه اندازه مشکل است.

مقاله پیش‌رو تلاش دارد از پنجره جدیدی به غامض بودن موضوع بپردازد. ایده مرکزی مقاله که می‌توان آن را به‌عنوان سؤال اصلی نیز طرح کرد این است که: قدرت جمهوری اسلامی ایران بر پایه مفهوم ارز قدرت چگونه قابل تبیین است؟ باتوجه به اینکه مقاله تلاش دارد ابعاد و مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی را از طریق رویکرد اکتشافی مورد شناسایی قرار دهد، نمی‌توان بر مبنای فرضیه مشخصی اقدام کرد. در واقع، نگارنده تلاش دارد با شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران، ارزندگی هر یک از آن‌ها را بر مبنای سه وجه زیبایی، درخشندگی و شفقت تبیین کرده و نشان دهد که منابع مشخص قدرت می‌توانند دارای ارزندگی متفاوتی بوده و اتفاقاً آنچه به قدرت جمهوری اسلامی ایران مانایی و پایداری داده، نه منابع آن، بلکه ویژگی‌هایی است که منجر به مولد بودن قدرت می‌شود. لذا دغدغه و مسئله نگارنده این است که به‌دلیل عدم درک صحیح از قدرت در جمهوری اسلامی و نبود تمایزگذاری میان قدرت به‌عنوان «منبع» و قدرت به‌عنوان «ارز» در میان راهبردپردازان، سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی نتوانسته آن‌طور که باید و شاید موفق باشد.

۱. روش تحقیق

مقاله حاضر از نظر هدف، بنیادی نظری است؛ به این معنی که نگارنده با تکیه بر خلاقیت ذهنی و دانش پیشینی، اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای را گردآوری کرده و با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل منطقی و استدلالی، گزاره‌های نظری جدید، تولید و ارائه نمود. این گزاره‌ها می‌توانند مبنای جدیدی برای تحقیقات بعدی باشند. همچنین این تحقیق از نظر ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است؛ به این معنی که نگارنده علاوه بر توصیف آنچه هست به تبیین چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن پرداخت و به این خاطر نیازمند نظریه‌ها و قوانین کلی بود. همچنین این تحقیق از نظر ابزار گردآوری، کتابخانه‌ای و اسنادی است که از طریق فیش‌برداری، جستجو در منابع فارسی و لاتین در اینترنت، بانک‌های اطلاعاتی، داده‌های لازم انجام می‌گیرد. بعد از گردآوری داده‌ها، گزاره‌ها استخراج و این گزاره‌ها در مفهوم ارز قدرت مورد تحلیل قرار گرفت تا مشخص شود قدرت جمهوری اسلامی ایران در کدام مؤلفه دارای چه وجه از ارزندگی است.

۲. پیشینه تحقیق

«مهدی عباس‌زاده فتح‌آبادی» (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» نشان داد که مؤلفه‌های سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی با برخورداری از ارزش‌های سیاسی مردم‌پسند همچون خدامحوری و عدالت، رهبری فرهنگمند، مشروعیت سیاسی بالا مبتنی بر الگوی مردم‌سالاری دینی و سیاست خارجی موفق مبتنی بر دیپلماسی فعال ضد سلطه از وضعیت مناسبی برخوردار است.

«محمد رضا مایلی» و «مریم مطیعی» (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» نشان دادند که جمهوری اسلامی ایران توانسته از طریق پیشرفت‌های پزشکی، سایبری، نظامی و فناوری در حوزه دانش، پیشینه غنی اسلامی ایرانی و اشتراکات تاریخی با کشورهای منطقه در حوزه فرهنگ و ارائه مفاهیمی چون نفی سلطه بیگانگان، عدالت و پیوند دین و سیاست در حوزه ایدئولوژی، قدرت نرم خود را در این سه حوزه بعد از انقلاب اسلامی ارتقا دهد.

«الکساندر ووینگ» (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «کارکرد قدرت نرم» نشان داد که درک درستی از قدرت نرم به وجود نیامده است. علت اصلی این موضوع در

یکسان‌شمردن «قدرت» با «منابع قدرت» در دیدگاه رایج قدرت نرم است. ووینگ برای برون‌رفت از این مشکل، مفهوم ارز قدرت را پیشنهاد می‌دهد و آن را متفاوت از منابع قدرت می‌داند و بر این مبنا سه ویژگی برای آن برمی‌شمارد: درخشندگی، زیبایی و شفقت.

نگارنده مقاله تلاش کرده با تأسی از مفهوم‌پردازی الکساندر ووینگ، قدرت در جمهوری اسلامی ایران را بر مبنای تمایزگذاری میان قدرت به‌مثابه «منبع» و قدرت به‌مثابه «ارز» تبیین کند و این نوآوری مقاله است.

۳. چهارچوب نظری

قدرت از مفاهیم پیچیده در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. در تعریف اولیه از قدرت می‌توان آن را توانایی اثرگذاری بر دیگران خارج از انتخاب‌های آن‌ها برای دستیابی به نتایج دلخواه قلمداد کرد. اما دستیابی به نتایج دلخواه از دو روش سخت و نرم قابل تحقق است. تشویق (هویج) و تنبیه (چماق) دو رویکرد سخت قدرت هستند و جذب دیگران بدون کاربرد دو روش فوق، رویکرد نرم قدرت است (سازمند و درستکار، ۱۴۰۱، صص ۱۷۲-۱۷۳). اما از حدود ۳۰ سال پیش، قدرت نرم به یک مفهوم رایج در محافل دانشگاهی و حوزه سیاست‌گذاری کشورها بدل شده است. همچنین قدرت نرم همراه با قدرت هوشمند، بخش مهمی از تفکر سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ را شکل می‌دهد. اما در کنار محبوبیت قدرت نرم، «جوزف نای» معتقد است که این مفهوم به شدت گسترده شده و گرفتار یک سری پیچیدگی‌هایی است (Nye, 2006). این پیچیدگی‌ها منجر شده برداشت‌های رایج از قدرت نرم دچار کژکارکردی‌هایی شده و این فهم نادرست از قدرت نرم چه در میان عموم مردم و چه متخصصان حوزه سیاست بین‌الملل به‌وجود آید.

دلایل این فهم نادرست از قدرت نرم چیست؟ برخی اندیشمندان استدلال کرده‌اند که بخشی از سردرگمی به دلیل «عدم نظریه‌پردازی»، «فقدان پالایش مفهومی در سطح آکادمیک» و «ابهام تحلیلی» (Mingjiang, 2009, p.37) در خود مفهوم قدرت نرم باشد. هرچند این علل بخشی از مسئله بوده، اما چرایی فهم نادرست از قدرت نرم، یک علت اصلی دارد که ایده اصلی مقاله هم می‌باشد: علت اصلی، یکسان‌شمردن «قدرت» با «منابع قدرت» در دیدگاه رایج قدرت نرم است؛ همان‌طور که «نای» نیز در مقاله خود به این موضوع اشاره کرده که «منابع» با «رفتار» اشتباه گرفته می‌شوند (Nye, 2008). «قدرت» با «منابع قدرت» یکسان تلقی شده و این

استدلال نادرستی است. قدرت همانند منابع خود نیست. منابع یکسان می‌توانند به وجود آورنده هم قدرت نرم و هم قدرت سخت باشند. مثلاً نیروی نظامی به عنوان منبع قدرت سخت می‌تواند هم منشأ اعمال زور و اجبار برای برخی و هم منشأ جذابیت و کشش برای برخی دیگر در زمان پیروزی در جنگ باشد (Vuving, 2009, p.4).

نگارنده با کاربست مفهوم «ارز قدرت»، تلاش دارد به این موضوع بپردازد که چگونه می‌توان با استفاده از منابع مشابه و یکسان از قدرت، نتایج و آثار متفاوتی را مستفاد کرد. در واقع، تفاوت «منبع قدرت» و «ارز قدرت» مشابه تفاوت ساختار یک ساختمان و معماری آن است. ساختار مجموعه‌ای از عناصری است که در یک ساختمان به کار گرفته شده است، اما آنچه به این ساختار جهت داده و زیبایی و معنای خاصی می‌بخشد و به عبارتی به آن هویت می‌دهد، معماری است. ارز قدرت «ویژگی» است که قدرت را به وجود می‌آورد. (Vuving, 2009, p.5). در واقع، ارز قدرت اشاره به میزانی از «ارزندگی» دارد که در ماهیت قدرت، فارغ از سخت یا نرم بودن، یافت می‌شود. نمود بیرونی «ارزندگی» قدرت در سه وجه متمایز اما به هم پیوسته متبلور می‌شود که «الکساندر ووینگ»^۱ آن‌ها را در سه نوع متفاوت از هم تقسیم می‌کند: «شفقت»، «درخشندگی» و «زیبایی». در ادامه هر یک از آن‌ها مورد مذاقه قرار می‌گیرد:

۳-۱. شفقت^۲

«شفقت» بُعدی از روابط بازیگر با دیگران بوده که به نگرش‌های مثبت رفتاری وی اشاره دارد. شفقت به عنوان ارز قدرت نوعی جهت‌گیری مبتنی بر نوع دوستی متقابل است. شفقت در روابط بین‌الملل به اشکال مختلفی بروز و ظهور می‌کند: مثلاً زمانی که بازیگر با دیگران ویژگی‌های رفتاری زیر را ابراز نماید: مهربان باشد؛ سخاوتمند باشد؛ مفید فایده باشد؛ کمک‌کننده باشد؛ پشتیبان و حامی باشد؛ به آن‌ها توجه کرده و صدای آن‌ها را بشنود؛ به حقوق، منافع و ارزش‌های آن‌ها احترام گذاشته و آن‌ها را به رسمیت بشناسد؛ با آن‌ها چنان رفتار کند که فضای حاکم بر آن رفتارها، فضای عدم تهدید و منازعه باشد؛ همچنین رفتار بازیگر با دیگران ایثارگرانه باشد. نشانه رفتار ایثارگرانه، اولویت دادن به منافع دیگران قبل از تأمین منافع خودی است

1. Alexander Vuving
2. Benignity

(Vuving, 2009, p.8). شفقت در طیف وسیعی از رفتارها نمود عینی دارد؛ از انجام‌ندادن اقدامات آسیب‌زا به دیگران تا حمایت و پشتیبانی فعالانه از آن‌ها. آنچه از شفقت انتظار می‌رود نوعی رأفت و مهربانی است که انسان‌ها یا دولت‌ها را جذب خود می‌کند.

اما سؤال اینجاست که شفقت چگونه تبدیل به قدرت نرم می‌شود؟ شفقت منجر به «همدردی» بازیگر با دیگران و در نتیجه «قدردانی» آن‌ها شده و در مورد نیت خیرخواهانه و صلح‌آمیز بازیگر به دیگران اطمینان خاطر داده و در نتیجه همکاری حاصل می‌شود. شفقت این‌گونه عمل می‌کند: اگر بازیگری بر رفتار خود پافشاری کند، برداشت دیگران از آن رفتار تهاجمی بوده و در نتیجه مقاومت صورت خواهد گرفت. اما اگر خودخواهی کنار گذاشته‌شده و تلاش شود تا بازیگر به‌خوبی با دیگران رفتار کند، قطعاً نوعی همراهی به‌وجود خواهد آمد. این سازوکار، «نوع‌دوستی تعامل‌گرایانه»^۱ نامیده می‌شود که می‌تواند دوجانبه یا چندجانبه باشد. در نوع اول، به دلیل لطفی که مستقیماً در حق دیگران می‌شود، از بازیگر مشفق به خاطر این لطف سپاسگزاری شده و تعامل صورت خواهد گرفت. اما در نوع دوم، مستقیماً کاری انجام نمی‌شود، بلکه به دلیل مشاهده منش خوب بازیگر مشفق با یک بازیگر ثالث، تصمیم به تعامل گرفته می‌شود. البته این‌گونه نیست که همیشه همه بازیگران اهل تعامل باشند، بلکه ممکن است یک بازیگر به‌صورت انفرادی یا نظام بین‌الملل به‌صورت دسته‌جمعی سازوکارهای حمایتی خود را علیه متقلبین^۲ توسعه دهند. در روابط بین‌الملل برای اینکه شفقت، قدرت نرم را به وجود آورد، در چهارچوب مجموعه‌ای از سازوکارهای حمایتی جای می‌گیرد که این سازوکارها هر دو نوع ارز قدرت سخت و نرم را به کار می‌گیرند. قدرت نرم به‌واسطه شفقت از طریق «همدردی»^۳ بازیگر با دیگران و در نتیجه «قدردانی»^۴ از سوی آن‌ها به‌وجود می‌آید (Vuving, 2009, p.9).

۲-۳. درخشندگی^۵

«درخشندگی» بُعدی از روابط بازیگر با اقدامات و فعالیت‌های خود بوده که به عملکرد درخشان وی اشاره دارد. درخشندگی به‌عنوان ارز قدرت نوعی جهت‌گیری

-
1. Reciprocal altruism
 2. Cheaters
 3. Sympathy
 4. Gratitude
 5. brilliance

مبتنی بر یادگیری دیگران از موفقیت بازیگر است. درخشندگی در روابط بین‌الملل در اشکال مختلفی ظهور می‌کند؛ مثلاً نیروی نظامی قوی و عظیم، اقتصاد متمدن و سرزنده و پویا، فرهنگ غنی و درخشان یا جامعه صلح‌گرا با مدیریت اجتماعی مناسب. همچنین درخشندگی در کشوری که به فناوری و علوم پیشرفته دست پیدا کرده و یا در کشوری که به پیروزی نظامی و یا موفقیت اقتصادی نائل شده نمود بیشتری پیدا می‌کند. لذا درخشندگی ویژگی بازیگری است که قابل و موفق می‌باشد (Vuving, 2009, p.10). دولت موفق معمولاً توانایی جذب دارد، برای اینکه توانسته مشکلات را به خوبی حل کرده و بر چالش‌ها فائق آید. درواقع آنچه از درخشندگی انتظار می‌رود نوعی قابلیت و توانمندی بازیگر است که به دلیل موفقیت در انجام کارها، بهتر است دیگران نیز همان روش‌ها را برای موفقیت خود در پیش بگیرند.

سوآلی که در اینجا همانند بالا مطرح است اینکه درخشندگی چگونه تبدیل به قدرت نرم می‌شود؟ درخشندگی به دلیل موفقیت، تحسین و ستایش را با خود به همراه داشته که می‌تواند به سرمشق‌گیری، رقابت، احترام یا تکریم همراه با ترس منجر شود. لذا اولین روش، به کارگیری سازوکارهایی است که از طریق ویژگی سرمشق‌گیری، درخشندگی قابل تحقق است: اگر بازیگر در انجام کاری موفق بوده و دیگران در حال انجام همان کار هستند، بهتر است دیگران از بازیگر موفق یاد گرفته و از مبنای موفقیت و قابلیت‌های آن برای انجام موفقیت‌آمیز کار اقتباس کنند. در روابط بین‌الملل نیز چنین اصلی حاکم است و دولت‌ها از رویه‌ها، سیاست‌ها، نهادها، ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها و بینش‌های دولت‌های موفق تأسی می‌گیرند. دومین روش، تجهیز قدرت به خلق اسطوره^۱ شکست‌ناپذیری^۲ و فناپذیری^۳ است. اسطوره‌ها ابزار قدرتمندی در شکل‌دادن به دیدگاه‌ها و آمل و آرزوهای دیگران هستند. به‌عنوان مثال، درحالی‌که موفقیت اقتصادی و پیروزی نظامی ابزار سیاست‌گذاری محسوب نمی‌شوند، اما درخشندگی که از این دو موضوع افاده می‌شود، می‌تواند اسطوره شکست‌ناپذیری و فناپذیری را به وجود آورد.

درواقع، قابلیت و موفقیت بازیگر، باعث اقتباس‌گیری دیگران از اقدامات آن شده و نوعی اعتبارزایی و اثرگذاری را برای آن بازیگر به همراه داشته و مقاومت در برابر آن را سخت خواهد کرد. درخشندگی همواره موجب تحسین دیگران می‌شود؛ اما

1. Myths
2. invincibility
3. inevitability

تحسین همواره منجر به پذیرش نمی‌شود. درواقع، تحسین و اقتباس‌گیری و کشش و علاقه‌مندی پس‌از آن، سوءظن را رفع کرده و تفاهم و همکاری را تسهیل می‌کند. قدرت نرم به‌واسطه درخشندگی از طریق «موفقیت و قابلیت» بازیگر و «تحسین»^۱ دیگران به وجود می‌آید (Vuving, 2009, p.11).

۳-۳. زیبایی^۲

«زیبایی» بُعدی از روابط بازیگر با آرمان‌ها، ارزش‌ها، اهداف یا بینش‌هاست که به «پژواک زیبایی»^۳ اشاره دارد که از طریق نزدیک‌تر شدن بازیگران به یکدیگر به‌واسطه داشتن آرمان‌ها، ارزش‌ها، اهداف یا بینش‌های مشترک ایجاد می‌شود. زیبایی در روابط بین‌الملل از طریق موارد زیر تحقق پیدا کند: تمایل به اتحاد با بازیگران هم‌مسلك، تمایل به ائتلاف با بازیگران هم‌هدف، نیاز به ایجاد اجتماع اخلاقی^۴ و نیاز به تأیید حقانیت^۵ از سوی دیگران (Vuving, 2009, p.12). زیبایی حس صمیمیت، امنیت، امیدواری، حیات، هویت و باهم زیستن و تأیید را به بازیگران عطا می‌کند. بازیگران زمانی پی به این زیبایی خواهند برد که آرمان‌ها، ارزش‌ها، اهداف یا بینش‌های مشترکی را دنبال کنند. برعکس، ارزش‌ها و اهداف متضاد زمینه دشمنی بازیگران را فراهم می‌کند. از دیگر آثار زیبایی می‌توان به افزایش اعتمادبه‌نفس و امید، دوستی و همکاری اشاره کرد که از طریق زیبانگریستن دیگران به وجود می‌آید.

شکل قوی‌تر زیبایی زمانی قابل درک است که بازیگران آرمان‌ها، ارزش‌ها، اهداف و بینش‌های خود را به گونه الزام‌آور، با امید و ایمان قوی و تلاش و استقامت بالا بازنمایی کنند. زیبایی برون‌داد موارد زیر است: کشوری که به‌عنوان محور یک ارزش مشخصی عمل می‌کند، کشوری که روح و تجسم آرمان به‌خصوصی است، کشوری که پرچمدار هدف خاصی است و کشوری که تبیین‌گر بینش الزام‌آوری است. زمانی که بازیگری پایبند به هدف مشخصی بوده و پرچمدار ارزشی است که خود را وقف آن کرده و یک بینش خاصی را الزام‌آورانه تبیین می‌کند، نوعی اعتبار برای آن

-
1. Admiration
 2. Beauty
 3. Neat resonance
 4. Moral Community
 5. Vindication

بازیگر به‌عنوان نماینده، چراغ راهنما، یا حامی و مدافع جدی آن ارزش، آرمان، هدف و یا بینش ایجاد می‌شود که نتیجه نهایی آن مشروعیت‌زایی و اقتدار اخلاقی است. سازوکار اصلی که به‌واسطه آن شکل بهتری از زیبایی تبدیل به قدرت نرم شود در جملات زیر قابل تبیین است. ایمان راسخ، روشننگری الزام‌آورانه، پایبندی فداکارانه و پایداری خالصانه یک بازیگر از آرمان، ارزش، هدف و بینش مشخص و الهام‌بخش بودن آن بازیگر در مورد آن‌ها برای دیگران، گام اول در شناخت آن بازیگر به‌عنوان نمونه‌اعلای آن آرمان‌هاست. ادراک دیگران از این نقش بازیگر منجر به وفاداری آن‌ها می‌شود زمانی که بازیگر را به‌عنوان حامی، نمونه، مشوق و منبع الهام تلقی کنند. آنچه از زیبایی انتظار می‌رود نوعی بازنمایی و معرف‌بودن آرمان‌ها، ارزش‌ها، اهداف و بینش‌های مشترک میان بازیگر و دیگران است که منجر به اعتمادزایی در دیگران می‌شود، چراکه بازیگر اهداف را توسعه داده، از ارزش‌ها حمایت کرده و یک چراغ هدایت روشنی برای همان آرمان‌ها، ارزش‌ها، اهداف و بینش‌هایی می‌شود که دیگران دنبال می‌کنند.

زیبایی ارز قدرت اصلی است که رهبران کاریزماتیک را به‌وجود آورده که این موضوع در مورد افراد و دولت‌ها صدق می‌کند. آمریکا، شوروی سابق و جمهوری خلق چین سه کشوری بودند که در قرن بیستم وجهه کاریزماتیک را داشته و این خصوصیت برای هریک از این سه کشور، در میان گروهی از دولت‌ها انعکاس داشت. قدرت نرم به‌واسطه زیبایی از طریق «پایبندی و پایداری» بازیگر به ارزش‌ها، آرمان‌ها، اهداف و بینش‌های مشترک و در نتیجه «الهام‌بخشی»^۱ برای دیگر بازیگران به‌وجود می‌آید (Vuving, 2009, p.8-12).

۴. ابعاد قدرت جمهوری اسلامی ایران

باتوجه به چهارچوب نظری مقاله تلاش می‌شود در این بخش ابعاد قدرت ج.ا.ایران در چهار بُعد، سیاسی، اقتصادی، نظامی- دفاعی و فرهنگی- اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و راه‌هایی که بتواند در این چهار بُعد برای ج.ا.ایران برپایه سه ویژگی شفقت، درخشندگی و زیبایی خلق قدرت کند، شناسایی خواهد شد.

۱-۴. بُعد سیاسی

۱-۴-۱. حمایت از مستضعفین، گروه‌های جهادی و نهضت‌های آزادی‌بخش

یکی از رسالت‌های انقلاب اسلامی، حمایت از مستضعفین، نهضت‌های آزادی‌بخش و جنبش‌های اسلامی است. اهمیت این وظیفه و رسالت که متأثر از ماهیت گفتمان انقلاب اسلامی است، حتی به‌عنوان یک اصل در قانون اساسی ج.ا.ایران مورد توجه قرار گرفته است. چنانچه در اصل ۱۵۴ تصریح شده است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی، حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (جاودانی‌مقدم، ۱۳۸۸، ص. ۷۴). مقام معظم رهبری نیز مبارزه با ظالم و جائر و حمایت از مظلوم را محدود به مرزهای خاصی نمی‌داند و جغرافیای آن را سرتاسر عالم بیان می‌کنند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم، این‌ها جزو اصول ماست» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۳/۱۴).

آنچه این رسالت جمهوری اسلامی ایران را به ارز قدرت تبدیل می‌کند، پابندی فداکارانه نظام به حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین و پشتیبانی از حرکت‌های نهضتی است که در سراسر جهان انجام می‌گیرد. انتفاضه مردم فلسطین، قیام حوثی‌های یمن علیه دولت دست‌نشانده این کشور، جنبش وال‌استریت در آمریکا و جنبش ضد نژادپرستی در آمریکا، شیعیان بحرین و عربستان از جمله جریان‌های آزادی‌بخشی است که جمهوری اسلامی خود را متعهد به حمایت از آن‌ها می‌داند. ارزندگی قدرت حاصل از این موضوع برای جمهوری اسلامی ایران زیبایی است که آن را تبدیل به پرچمدار و الهام‌بخش این جریان‌ها تبدیل کرده است. البته جمهوری اسلامی با حمایت‌های مالی و لجستیکی از برخی نهضت‌های سیاسی با رویکرد نظامی از جمله حماس، ارز قدرت مشفقانه‌ای را برای خود خلق کرده که این نوع شفقت از طریق قدردانی آن‌ها از اقدامات جمهوری اسلامی ایران حاصل شده است.

۴-۱-۲. تحقق الگوی اسلام سیاسی مبتنی بر نظام ولایی و مردم‌سالاری دینی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، عملیاتی‌شدن عینی امتزاج سیاست و دیانت در دنیای مدرن و شاید پست‌مدرنی بود که «میشل فوکو» از آن با عنوان «انقلاب ایران؛ روح جهان بی‌روح» یاد می‌کند. در واقع تحقق نظام ولایی مبتنی بر ولی فقیه، ظرفیت عظیمی برای انقلاب اسلامی است که بتواند با تعیین دستورکار به ترویج الگو و خلق قدرت کمک کند. به‌عنوان مثال فراخوان امام خمینی (ره) برای نام‌گذاری آخرین جمعه ماه رمضان به‌عنوان روز جهانی قدس، حکم ارتداد سلمان رشدی، هفته وحدت، براءت از مشرکین و ... در این زمره قرار دارند (جمال‌زاده، ۱۳۹۱، صص. ۶۵-۶۲). همچنین مدل حکومتی مردم‌سالاری دینی یکی دیگر از نمودهای عینی اسلام سیاسی است که با تدوین قانون اساسی و برگزاری رفراندوم به جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین صورت قانونی و عینی به خود گرفت. برگزاری انتخابات متعدد بعد از انقلاب تا به امروز و حضور و مشارکت بالای مردم در آن مشروعیتی را برای جمهوری اسلامی می‌دهد که می‌تواند قدرت‌زا باشد.

ارز قدرت حاصل از این موضوع برای جمهوری اسلامی ایران درخشندگی است. به این معنی که جمهوری اسلامی با خلق مدل نوینی از حکمرانی در جهان و هم‌نشینی موفق سیاست در کنار دیانت و به عبارتی اسلام با دموکراسی در ساختار سیاسی خود با پشتوانه مردمی مناسب و همراهی نخبگان داخلی در اتخاذ تصمیم‌های راهبردی زیر لوای ولی فقیه، به این مفروض قطعی که در جهان مدرن امکان زیست سیاست در کنار دیانت وجود ندارد، خط بطلان کشید. و این موفقیت تحسین و تمجید دیگر کشورها را به همراه داشت. البته وجه درخشندگی ارز قدرت جمهوری اسلامی در این زمینه بدون پایداری خالصانه جمهوری اسلامی نسبت به آرمان‌ها و ارزش‌ها که همان زیبایی است امکان تحقق نداشت.

۴-۱-۳. بسط عدالت‌گستری به‌جای قدرت‌محوری

اصل اساسی سیاست بین‌الملل در نظریات روابط بین‌الملل عنصر قدرت است. در واقع دولت‌ها تلاش دارند از طریق بیشینه‌سازی قدرت خود، منافع و اهداف ملی را به بهترین نحو تأمین کنند. دولت‌ها در فضای آنارشیک نظام بین‌الملل با اتکا به اصل خودیاری درصدد افزایش توان و قدرت خود هستند تا بتوانند در مرحله اول به هدف اولیه یعنی بقا و درگام بعدی توسعه دست پیدا کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴). اما برونداد چنین فضایی در سطح نظام بین‌الملل بر مبنای اتخاذ راهبرد سیاست قدرت،

بسط ناعدالتی و نابرابری و بقای اقویا در برابر ضعفاست. لذا گفته می‌شود ساختار نظام بین‌الملل برمبنای الگوی رفتاری قدرتهای بزرگ شکل‌گرفته و قدرت‌های کوچک و متوسط و حتی دیگر بازیگران فروملی و فراملی غیردولتی چندان نقشی در شکل‌دهی به ساختار نظام بین‌الملل ندارند. شکاف شمال- جنوب، جنبش‌های اجتماعی ضد سرمایه‌داری، ضد جهانی‌شدن، جنبش‌های ضد نژادپرستی و اقلیت‌ها در غرب و ظهور گروه‌های تندروی جهادی ضد غربی و افزایش نفرت عمومی در سطح جوامع اسلامی از غرب و... آبخشور این نوع از الگوی روابط قدرت‌پایه است که هر روز بشریت را از آرمان عدالت دور می‌سازد.

اما وقوع انقلاب اسلامی مسئله تحقق عدالت در صحنه بین‌المللی را به یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان تبدیل کرد. در واقع تأکید بر گفتمان عدالت یکی از نوآوری‌هایی بود که از سوی بنیان‌گذار انقلاب انجام شد. گفتمان عدالت به‌مثابه یک نظام معنایی از یک سری عناصری تشکیل‌یافته که عبارتند از: عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی مثبت، حمایت از مسلمانان و مستضعفان، ظلم‌ستیزی و استکبارزدایی، تجدیدنظرطلبی و شالوده‌شکنی نظام بین‌الملل (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص. ۷۳). در واقع، عدالت‌محوری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آرمانی است که می‌تواند در تحقق سامان سیاسی نوین جهانی بسیار اثرگذار باشد. در واقع جمهوری اسلامی معتقد است پایه‌های نظم کنونی به شدت ناعادلانه و مبتنی بر انگاره‌های سیاست قدرت، شالوده یافته و برای تحقق آن باید پارادایم نظم از قدرت به سمت عدالت تغییر پیدا کند.

از آنجاکه عدالت‌جویی در ساحت نظام بین‌الملل یک آرمان و ارزش و پیگیری این آرمان نیازمند ایمانی راسخ و عزمی پایدار است، ارز قدرت حاصل از پیگیری این آرمان برای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از نوع زیبایی باشد که نیازمند اتحاد و ائتلاف با دولت‌ها و بازیگران غیردولتی عدالت‌خواه و شالوده‌شکن است. سیاست نگاه به شرق، عضویت در پیمان شانگهای، محوریت در جنبش عدم تعهد، نقد ساختار ناعادلانه شورای امنیت سازمان ملل، مخالفت با رویکرد نهادهایی چون ناتو، جی ۸، انتقاد از رویکرد آمریکا در حوزه جهانی‌سازی، مخالفت با رویکرد قدرت‌های جهانی در حوزه آلاینده‌های زیست‌محیطی، همراهی با جریانات معطوف به امنیت انسانی به‌جای امنیت دولت‌پایه و ... می‌تواند در زمره اقدامات عدالت‌خواهانه جمهوری اسلامی در حوزه خلق زیبایی قدرت باشد که جمهوری اسلامی را به‌عنوان دولت الهام‌بخش برای دیگران معرفی کرده است.

۴-۱-۴. مقاومت و استقلال خواهی در برابر سیاست‌های سلطه‌گرایانه

حفظ استقلال و مقاومت در برابر سیاست‌های سلطه‌جویانه از آرمان‌های اصیل انقلاب است که در قالب شعارهای «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و یا «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» متبلور شده است. البته این ارزش‌ها فقط مولود انقلاب نبوده، بلکه از قواعد اصیل اسلامی از جمله قاعده «نفی سبیل» است. جمهوری اسلامی در طول چهل و چهار سال اخیر توانسته این ارزش و آرمان را با قدرت عملی سازد؛ شبکه‌سازی محور مقاومت در سطح منطقه، مقاومت در برابر سیاست‌های سلطه‌جویانه غرب به‌خصوص در موضوع هسته‌ای به‌رغم تحریم‌های جهانی، حمایت از فعالیت نهضت‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان، جمهوری اسلامی را به پرچمدار این آرمان تبدیل کرده است. بنابراین استقلال و مقاومت که انقلاب اسلامی آن را در هیئت یک ارزش سیاسی به جهان عرضه کرد، مورد علاقه و احترام تعدادی از ملت‌های آزادی‌خواه در سرتاسر جهان قرار دارد. این ارج‌گذاری مختص به ملت‌های مسلمان نیست؛ بلکه حتی در میان غیرمسلمانان استکبارستیز در نقاط مختلف دنیا نیز می‌توان افرادی را سراغ گرفت که علاقه‌مند به هویت مستقل و مقاوم انقلاب اسلامی هستند؛ لذا جذابیت ذاتی ارزش‌های استقلال و مقاومت در نظر شمار قابل توجهی از مردمان خارجی، آن را به منابعی برای اعمال قدرت نرم تبدیل کرده است (سعیدی، ۱۳۹۳، صص ۱۷۴-۱۷۳).

به دلیل اهمیت مقاومت و استقلال در گفتمان انقلاب اسلامی ایران، به نظر می‌رسد ارز قدرت حاصل از این موضوع در هر سه وجه زیبایی، درخشندگی و شفقت به منصفه ظهور رسیده است. مقاومت و استقلال از آن جهت زیباست که همگان به جمهوری اسلامی به‌عنوان طلا به‌دار این ارزش می‌نگرند و الهام بسیاری از جریان‌های ضد غربی در جهان بوده است. همچنین به دلیل حمایت‌های عملی و اقدامات سخاوتمندانه جمهوری اسلامی از بازیگران و جریان‌های که طرفدار این ارزش بودند، ارزندگی قدرت مبتنی بر شفقت برای کشورمان به همراه داشته است. وجه سوم درخشندگی است که ناظر بر پیروزی جمهوری اسلامی در عملی کردن مفهوم استقلال و مقاومت در برابر سلطه بوده است. پیروزی در جنگ اقتصادی و نظامی، عدم تمکین از سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکا در منطقه، مدیریت هوشمند سیاست داخلی و خارجی به‌رغم تعینات و محدودیت‌های ساختار سلطه‌جویانه نظام بین‌الملل عزتی را به جمهوری اسلامی عطا کرده و موجبات تحسین و ستایش دیگران شده که دربردارنده وجه درخشندگی ارز قدرت است.

۴-۱-۵. اقدامات بشردوستانه و خیرخواهانه

یکی از سیاست‌های جمهوری اسلامی تأکید بر فعالیت‌ها و اقداماتی است که مبنای هزینه- فایده نداشته، بلکه از یک مبنای اخلاقی و انسانی نشئت می‌گیرد و آن کمک‌هایی است که در این سال‌ها به کشورهایی که گرفتار جنگ، قحطی، سیل و زلزله بوده‌اند کرده است. اتخاذ چنین سیاستی در بلندمدت می‌تواند مولد قدرت نرم باشد. زیرا از طریق تصویرسازی مثبت نسبت به آن، افکار عمومی جهانی را نسبت به این موضوع بسیار امیدوار می‌کند. البته در این نوع سیاست نه دین و مذهب تأثیری دارد، نه زبان و قومیت و نه تقاضا یا عدم تقاضای دولت و شخص نیازمند، تنها شرط برای پدیدآمدن چنین تعهدی، آگاهی دولت موردنظر نسبت به تعهدی است که احساس می‌کند برگردن اوست. در فرهنگ و ادبیات دینی ایرانیان بر این تعهد اخلاقی تأکید شده است (قربان‌نیا، ۱۳۹۳، ص. ۴۱). سیاست خارجی خیرخواهانه جمهوری اسلامی در قالب اقداماتی چون سرمایه‌گذاری غیرمنفعت‌محور در بازسازی کشورهایی مانند عراق و لبنان یا اعطای کمک‌های بلاعوض به زلزله‌زدگان ترکیه یا عاملیت نهادهایی مانند جمعیت هلال احمر یا کمیته امداد امام خمینی (ره)، اقدامات شهید شاطری در لبنان پس از جنگ ۳۳ روزه به‌عنوان مسئول تیم بازسازی ایران در لبنان و ساخت پارک ایران در مرز لبنان با رژیم صهیونیستی نمود عینی پیدا کرده است.

ارز قدرت در این بخش مبتنی بر شفقت است که جمهوری اسلامی توانسته با اتخاذ رویکرد نوع‌دوستی مشفقانه، رویه‌های انسان دوستانه، کمک‌های بشردوستانه و عدم محاسبه هزینه- فایده‌دردانی و سپاسگزاری دیگران از اقدامات خود را در پی داشته و برای خود تولید قدرت کند. همچنین اقدامات خیرخواهانه جمهوری اسلامی منحصر به کمک‌های مالی نبوده بلکه زبان گویای مظلومینی بوده که در مجامع بین‌المللی بلندگویی نداشته و جمهوری اسلامی در تریبون‌های بین‌المللی بیانگر مطالبات و احقاق‌گر حقوق از دست‌رفته آن‌ها نیز بوده است.

۴-۱-۶. تأمین ثبات و امنیت داخلی به‌رغم تهدیدات پیرامونی

ایران کشوری است با ۱۵ همسایه که برخی از آن‌ها همچون افغانستان و عراق از لحاظ سازه داخلی امنیت با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند. این موضوع باعث شده که همواره ناامنی و جنگ‌های داخلی به خارج از مرزهای این دو کشور کشیده شده و همسایگان آن‌ها از جمله ایران با تهدیدات امنیتی مواجه شوند. مداخله برخی

کشورها از جمله آمریکا و اسرائیل در حمایت از گروه‌های تروریستی با ماهیت مذهبی و قومیتی در عراق و افغانستان و طرح‌ریزی عملیات برای ناامن‌سازی ایران نیز مزید بر علت بوده تا بتوان گفت جغرافیای ایران به لحاظ دارا بودن مؤلفه‌های ناامن‌ساز منحصر به فرد باشد. اما به‌رغم تمام این مسائل، جمهوری اسلامی از طریق اشراف اطلاعاتی بر گروه‌های تروریستی و انجام عملیات به‌موقع، توانسته بر این تهدید امنیتی دائمی فائق آمده و جریان‌های گریز از مرکز در مرزها را کنترل کند. در کنار مدیریت ناامنی در مرزها و احاطه اطلاعاتی و عملیاتی بر گروه‌های مسلحانه تروریستی، جمهوری اسلامی توانسته جریان‌های سیاسی و اجتماعی مخالف داخل و خارج کشور که در برخی برهه‌های زمانی دست به آشوب و اغتشاش می‌زنند را نیز کنترل کند؛ نمونه بارز آن اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ بود که به‌رغم فعالیت‌های گسترده اپوزیسیون خارج کشور، براندازان و دیگر جریان‌های غربی جهت تغییر نظام سیاسی نتوانست کاری از پیش ببرد.

موفقیت جمهوری اسلامی ایران در این زمینه ارز قدرتی را برای آن خلق کرده که از نوع درخشندگی است. جمهوری اسلامی با خلق اسطوره فناپذیری در حوزه سیاسی و امنیتی در ذهن دیگر بازیگران، موجبات تحسین و ستایش را برای خود به همراه داشته است. حاصل این موفقیت، تغییر رویه کشورهای عربی از جمله عربستان و امارات از قطع رابطه به برقراری روابط سیاسی با ایران بود که جایگاه کشورمان را در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای ارتقا داد. برخورد هوشمندانه جمهوری اسلامی با اغتشاشات اخیر و تأمین امنیت فراگیر داخلی در حوزه‌های سیاسی و امنیتی نشان از یک پیروزی بزرگی داشت که علیه جمهوری اسلامی از سوی غرب تدارک دیده شده بود و این موفقیت با راهپیمایی گسترده ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ و حمایت مردم از آرمان‌های انقلاب اسلامی تکمیل گردید.

۴-۲. بُعد فرهنگی - اجتماعی

۴-۲-۱. اقتدار در حوزه ژئوکالچر تمدن ایرانی

در جمهوری اسلامی ایران هرچند مؤلفه‌های اقتدار را باید در منابع قدرت جستجو کرد، اما باید در نظر داشت اقتدار زمانی حاصل می‌شود که این منابع به شکلی منسجم و ساختارمند در پارادایم تمدن اسلامی و ایرانی عمل نماید. بسیاری از کشورهای همسایه در حوزه دریای خزر و خلیج فارس و همچنین مناطق شرقی ایران، فرزندان ایران بزرگ به حساب می‌آمدند و در دویست سال اخیر مستقل

شده‌اند که شامل خراسان شرقی، افغانستان، تاجیکستان، بحرین، و سایر مناطق قفقاز جنوبی است که از آن با عنوان «حوزه تمدن ایرانی» نام‌برده می‌شود (غلامی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۲۱۸). آداب‌ورسوم، جشن‌ها، نام‌ها و نمادها، نوروز و مهرگان از سنت‌های مشترک ایران و همسایگان حوزه تمدنی خود بوده که در جهان نیز به رسمیت شناخته شده است (سیمبر و مقیمی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱). مفهوم «حوزه تمدن ایرانی» راهبرد جدیدی را برای تنظیم مناسبات ایران و کشورهای موجود در گستره تمدنی آن معرفی می‌نماید که بر مبنای آن واحدهای سیاسی این حوزه، ضمن حفظ استقلال سیاسی خود، به همکاری‌های پایدار با یکدیگر می‌پردازند. بر این مبنا، تأکید بر مؤلفه‌های تمدنی به سیاست خارجی تمدنی منجر می‌شود که بر پایه آن منافع کشور با منافع تمدن مشترک هماهنگ شده و می‌تواند اقتدار و امنیت را افزایش دهد (غلامی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۲۱۹).

به نظر می‌رسد ارزش قدرت حاصل از ظرفیت‌های ایران در حوزه ژئوکالچر تمدن ایرانی بیشتر از جنس «زیبایی» است. زیبایی ناشی از میراث معنوی، فرهنگی و آیین و رسوم‌های تاریخی مشترک که جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان داعیه‌دار فرهنگ و تمدن پارسی‌زبان برای کشورهای منطقه تبدیل کرده است. هرچند رگه‌هایی از شفقت نیز به‌ویژه با افغانستان بعد از حمله آمریکا به این کشور و اعلام همدردی جمهوری اسلامی مردم افغانستان در مخالفت قاطع خود از حضور آمریکا در این کشور مشاهده می‌شود. حضور مهاجرین گسترده افغانی در ایران در قالب نیروی کار و نخبه صنعتی و دانشگاهی و تشکیل انجمن‌های مشترک ایرانی-افغانی نشان‌دهنده نوع دوستی مشفقانه جمهوری اسلامی ایران از برادران پارسی‌گوی افغان دارد.

۴-۲-۲. نفوذ در حوزه ژئوکالچر شیعی

شیعه و به‌طور کلی مذهب زمانی در قالب ژئوکالچر قرار می‌گیرد که در مناسبات میان دولت‌های منطقه به‌عنوان یکی از عناصر قدرت نقش‌آفرینی کند. وجه ژئوپلیتیکی آن نیز به معنای اثرگذاری حضور شیعیان در یک کشور بر روابط میان بازیگران منطقه می‌باشد. ایران، عراق، یمن، لبنان را می‌توان ژئوپلیتیک شیعه در جغرافیای غرب آسیا دانست که هسته مرکزی آن جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، یکی از اقدامات کشورمان در راستای ارتقای قدرت، بایستی نفوذ در مناطقی باشد که شیعیان در آن اثرگذار هستند. البته به دلیل قرابت آرمان‌های

انقلاب با ارزش‌ها و اصول مذهب شیعه از جمله فرهنگ عاشورا نزدیکی روابط، به خودی خود شکل می‌گیرد (جانفشان، ۱۳۹۴، ص. ۱۳).

ارز قدرت ناشی از این موضوع «زیبایی» است که خود را در قامت بازنمایی ارزش‌ها و آرمان‌های شیعه و شکل‌گیری یک هویت مشترک میان جمهوری اسلامی با شیعیان منطقه نشان‌دهنده و اینکه جمهوری اسلامی محور و پرچمدار ترویج فرهنگ شیعه در منطقه می‌باشد. راهپیمایی اربعین نمونه بارزی از زیبایی قدرتی است که در قالب ژئوکالچر شیعی نمود پیدا می‌کند. در کنار زیبایی، ارزندگی قدرت برای ج.ا.ایران می‌تواند «شفقتی» باشد که در قالب حمایت و پشتیبانی از گروه‌های شیعی منطقه از جمله حزب‌الله، انصارالله و حشدالشعبی انجام گرفته و خلق‌کننده قدرت برای جمهوری اسلامی ایران است.

۴-۲-۳. وحدت در حوزه ژئوکالچر اسلامی

وحدت جهان اسلام بنیادی‌ترین راهبرد تمدنی جمهوری اسلامی ایران در یک بازه زمانی بلندمدت است که بر مبنای دو نوع سازوکار علمی و علمی قابل تحقق است. توجه به نظام معنایی مشترک، حاکمیت فضای علمی بر موارد اختلاف، ازدیاد دادوستد علمی میان مذاهب، سازوکارهای علمی در این زمینه بوده و اطاعت از کتاب و سنت، احترام به آرای دیگر مذاهب در عمل و همراهی با اجتماعات مسلمان، نمونه‌هایی از سازوکارهای عملی وحدت هستند (آصفی، ۱۳۸۶، ص. ۱). تلقی مقام معظم رهبری از موضوع وحدت جهان اسلام نه تاکتیکی بلکه کاملاً راهبردی است. ایشان همواره علما، روشنفکران، نخبگان و آحاد امت اسلامی را به وحدت ذیل آموزه‌های قرآن کریم و محبت و ارادت به پیامبر اکرم (ص) دعوت می‌کنند. ایشان جمهوری اسلامی را به‌عنوان پیشگام وحدت در جهان اسلام معرفی کردند و به همین منظور سالانه با دعوت از دانشمندان و نخبگان جهان اسلام در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی بیاناتی را ایراد می‌فرمایند (قاسمی و حسینی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۹).

زیبایی، ارز قدرت ناشی از وحدت جهان اسلام است که می‌تواند در پایبندی و پایداری معنا شود که جمهوری اسلامی ایران با پیشگام شدن در تحقق آن آرمان و ارزش دینی و اسلامی برای خود خلق کرده است. تأکید جمهوری اسلامی بر نگرش تمدنی به جهان اسلام در قالب مفهوم «تمدن نوین اسلامی» و همگرایی میان دولت‌ها و ملت‌های جهان اسلام، نشان از جایگاه رفیع امت‌محوری در سیاست خارجی ایران دارد. زیبایی این رویکرد، حمایت ملت‌های جهان اسلام از نام‌گذاری

روز قدس به‌عنوان قبله اول مسلمانان توسط امام خمینی (ره) داشت که الهام‌بخش جریانات بعدی از جمله انتفاضه و بیداری اسلامی در جهان اسلام شد.

۴-۲-۴. ترویج فرهنگ عاشورا

فرهنگ عاشورایی را می‌توان یکی از منابع قدرت برای جمهوری اسلامی تلقی کرد. مفاهیمی چون، ایثار، شهادت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند دال‌هایی باشند که در نظام معنایی عاشورا متبلور شده است. باور به این موارد و کنش راهبردی در جوامع اسلامی مبتنی بر آن‌ها، می‌تواند طرح‌واره اقدام برای هر انسان آزاده‌ای را علیه نظام‌های سیاسی ظلم و جور در هر کجای جهان بدهد. در واقع، فرهنگ عاشورا و جاذبه و قدرت‌زایی آن به حدی است که الگوگیری از آن محدود به قلمرو جهان تشیع نمانده و امروزه در برخی از کشورهای سنی، از جمله فلسطین نیز فرهنگ عاشورا نهادینه شده است؛ حتی در خارج از جهان اسلام نیز افرادی از آن الگو گرفته و یا به تعریف و تمجید از آن پرداخته‌اند (غفاری قدیر و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۸).

فرهنگ عاشورا از مبانی دکترینی انقلاب اسلامی است که مبتنی بر اصولی چون شهادت، ایثار، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری نمود پیدا کرده است. جمهوری اسلامی تلاش کرده فرهنگ راهبردی خود را در سیاست خارجی و منطقه‌ای با بازیگران و حتی با ملت‌های منطقه بر مبنای انگاره‌های عاشورایی قرار دهد و با پایبندی به اصول فوق، موجبات سرمشق‌گیری و الگوگیری دیگران از این آرمان‌ها و رویه‌ها شود. این موارد نشان‌دهنده ارزش قدرت زیبایی است که جمهوری اسلامی را به‌عنوان پرچمدار و چراغ راهنما برای هدایت دولت‌ها و ملت‌های منطقه به سمت عاشورایی شدن سوق داده است.

۴-۲-۵. ترویج فرهنگ انتظار

وقوع انقلاب اسلامی، مفهوم انتظار را از جایگاه عاملی برای خاموش کردن روح سرکش اجتماع به ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود ارتقا داد. انقلاب اسلامی روحیه خودباوری و اعتماد به نفس را در میان شیعیان جهان تقویت کرد و به آنان آموخت که نباید برای ظهور مهدی موعود (عج) به انتظار نشست بلکه باید به انتظار ایستاد. احیای حزب الدعوه عراق، تشکیل مجلس اعلا شیعیان عراق، تشکیل حزب‌الله لبنان از مصادیق احیای مکتب انتظار و آموزه

مهدویت بعد از انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود (حافظنیا، ۱۳۸۸، ص. ۹۸). در واقع انقلاب اسلامی توانست انتظار برای ظهور منجی جهت برچیدن بی‌عدالتی در جهان را به‌عنوان یک اصل دکترینی برای بقا و تداوم خود مشروعیت‌سازی کرده و به‌عنوان منبع قدرت‌زایی عمل کند.

فرهنگ عاشورا و فرهنگ مهدویت، دو بال انقلاب اسلامی هستند که یکی بدون دیگری قابل فهم نیست. به‌نظر می‌رسد ارزندگی که برای قدرت جمهوری اسلامی ایران در قبال ترویج فرهنگ انتظار می‌توان متصور بود همانند فرهنگ عاشورا از نوع زیبایی است که آن را به‌عنوان یک آرمان و هدف والا به یک امر دکترینی برای انقلاب اسلامی بدل کرده است و الهام‌بخش بسیاری در جهان شده است. در واقع عاشورا راهبردی است که می‌تواند در چهارچوب دستیابی به دکترین مهدویت عمل کند و این دو دارای وجوه زیبایی برای قدرت‌آفرینی جمهوری اسلامی هستند.

۳-۴. دفاعی - نظامی

۳-۴-۱. خوداتکایی دفاعی مبتنی بر توانمندی داخلی

خودکفایی که بنیان خوداتکایی است، در دو بخش سازماندهی و دکترین نیروهای مسلح و تجهیز و تولید تسلیحات متبلور می‌باشد؛ بند ۱۳ اصل ۳ قانون اساسی، تأمین خودکفایی در حوزه‌های گوناگون «علوم و فنون، صنعت، کشاورزی و امور نظامی» را از وظایف دولت برشمرده است (قیصری و خضری، ۱۳۹۵، ص. ۶۶). خوداتکایی در دستیابی به فناوری‌های نظامی نقش مهمی در سیاست دفاعی کشور و پیروزی در جنگ‌ها دارد. این فناوری در سطح حاکمیت و جامعه نوعی اعتماد به‌نفس را ایجاد کرده و این باور را شکل داده که فناوری‌های بومی می‌تواند در راستای دفاع از کشور، تمامیت ارضی و افزایش قدرت بازدارندگی به کار گرفته شود (عسگری، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۲). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش‌های بسیاری برای افزایش توان دفاعی خوداتکا انجام شد که در هسته مرکزی این موضوع تمرکز بر ساخت موشک به‌عنوان نقطه ثقل دکترین نظامی ایران قرار دارد. تسلیحات موشکی در قیاس با هواپیما و دیگر ادوات جنگی، به دو دلیل مورد توجه بود: اول اینکه به فناوری‌های پیچیده و بالا نیازمند نبوده و هزینه آن پایین است؛ دوم اینکه جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به برخی فناوری‌های پیچیده در حوزه‌های نظامی دیگر با محدودیت‌های زیادی مواجه است (غلامی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۲). بنابراین می‌توان گفت خودکفایی دفاعی که

منبعث از راهبرد خوداتکایی و استقلال سیاسی است، می‌تواند قدرت نظامی و دفاعی کشور را به بالاترین سطح بازدارندگی برساند.

ارز قدرت حاصل از این موضوع در وجه درخشندگی نمود پیدا می‌کند؛ قدرت بازدارندگی دفاعی خودبنیان کشور در برابر قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای منجر به خلق اسطوره فناپذیری در جنگ نظامی در اذهان جهانی شده و تحسین ستایش حتی دشمنان نظام را در پی داشته است. ساخت موشک هایپرسونیک «فتاح» که از سوی نیروی هوافضای سپاه ساخته شد، آخرین دستاورد راهبرد خوداتکایی دفاعی کشور بود که جمهوری اسلامی توانست وجه درخشندگی قدرت خود را به رخ جهانیان بکشد.

۴-۳-۲. پایبندی به اصول سیاست دفاعی

در خصوص سیاست دفاعی دو رویکرد نظری وجود دارد؛ برخی سیاست دفاعی را مترادف با راهبرد ملی و برخی دیگر آن را هم‌ردیف با سیاست نظامی تلقی می‌کنند. در جمهوری اسلامی، اسناد متنوعی در خصوص مقوله دفاع اعم از قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی ابلاغی و برنامه‌های ۵ ساله توسعه در موضوعات دفاعی و قوانین خاص مربوط به نیروهای مسلح وجود دارد. در قانون اساسی، بندهای ۱۱، ۱۳ اصل ۳ و اصول ۱۴۳ تا ۱۵۱ به این موضوع پرداخته‌اند. بند ۳ سند چشم‌انداز نیز، ایران ۱۴۰۴ را کشوری «امن، مستقل، مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی هم‌جانبه» معرفی کرده است. بازدارندگی، مردم‌پایگی دفاع و خودکفایی را می‌توان مهم‌ترین اصول سیاست دفاعی جمهوری اسلامی برشمرد (قیصری و خضری، ۱۳۹۵، صص ۷۲-۵۹).

باتوجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران و تعهد آن به اصول سیاست دفاعی خود، می‌توان ارزندگی قدرت حاصل از این موضوع را در وجه زیبایی آن نگریست. به این معنا که پژواک آرمان و ارزش‌های دفاعی جمهوری اسلامی در اصولی متبلور شده که اولاً خودبنیان است، دوماً مردم‌پایه است و سوماً همه‌جانبه بوده و منحصر در نظامی‌گری نیست. پایبندی به این اصول و پایداری در تحقق آن، نوعی شخصیت کارزماتیک در حوزه دفاعی به جمهوری اسلامی داده که می‌تواند از سوی بازیگران دیگر که خواهان استقلال دفاعی هستند پیگیری شود.

۳-۳-۴. بازدارندگی مبتنی بر دفاع همه‌جانبه

بازدارندگی، مجموعه اقدامات اتخاذی یک یا گروهی از دولت‌ها در حفاظت از اهداف، منافع و ارزش‌های راهبردی از طریق برحذر داشتن رقبا یا دشمنان از اتخاذ و اجرای اقدامات زیان‌آور است. این راهبرد مستلزم طراحی سیستم تنبیهی گسترده و تهدید به کاربرد آن در مواجهه احتمالی است؛ به شکلی که هزینه هرگونه اقدام احتمالی افزایش یابد. تعبیر «همه‌جانبه» بودن بازدارندگی به طرق مختلف تفسیر می‌شود؛ برخی آن را ناظر به هر دو بعد متقارن و نامتقارن بودن تعبیر می‌کنند که بعد نرم بازدارندگی و پیوستگی مردم و حکومت در این قالب قرار می‌گیرد. این نوع بازدارندگی از جنس اقناع‌سازی، ایجاد رضایت، تقویت اعتماد عمومی و تعمیق پایه‌های مردم‌سالارانه حکومت است. در قرائتی دیگر می‌توان بازدارندگی همه‌جانبه را به رویکرد مبتنی بر تقویت نیروی بسیج مستضعفین و برجسته کردن این نیرو در پیشبرد سیاست دفاعی ایران ارجاع داد. این تفسیر از بازدارندگی همه‌جانبه، نوعی الگوی بومی در حوزه دفاع بر اساس مزیت‌های دفاع مردمی است که بر امکان بسیج توده‌ها در شرایط بحرانی استوار است (قیصری و خضری، ۱۳۹۵، صص ۶۴-۶۳). آنچه بر مبنای هر دو تفسیر از بازدارندگی مستفاد می‌شود، تأکید بر تفاوت‌هایی است که در مبنای بازدارندگی جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر وجود دارد.

بخشی از ارزش‌گذاری قدرت حاصل از بازدارندگی همانند پایبندی به اصول سیاست دفاعی نوعی زیبایی است که در بالا به آن اشاره شد؛ اما بخش دیگری از ارزش‌گذاری قدرت حاصل از این موضوع، وجه درخشندگی قدرت بازدارندگی دفاع همه‌جانبه است که به دلیل موفقیت به دست آمده در پیاده‌سازی این راهبرد و سیاست موجبات تمجید دیگران از جمهوری اسلامی شده است. پیاده‌سازی الگوی بسیج مردمی در سطح داخل کشور در مواجهه با بحران‌های داخلی (وجه سلبی) و عمران و آبادانی (وجه ایجابی) و تسری این الگو به برخی کشورهای منطقه از جمله عراق، سوریه، لبنان و یمن و حتی افغانستان در قالب گروه‌هایی چون حزب‌الله، حشدالشعبی، فاطمیون و زینبیون بخشی از موفقیت بازدارندگی دفاعی همه‌جانبه جمهوری اسلامی در تبدیل منبع قدرت به ارز قدرت در وجه درخشندگی آن می‌باشد.

۴-۳-۴. دیپلماسی دفاعی فعالانه

دیپلماسی دفاعی به کارگیری آگاهانه منابع مختلف دفاعی به منظور دستیابی به نتایج مثبت در توسعه روابط دو و چندجانبه است؛ دیپلماسی دفاعی ناظر بر عملیات

نظامی نبوده، بلکه بر پیشگیری یا توقف عملیات نظامی متمرکز است. همچنین دیپلماسی دفاعی از سوی وابستگان دفاعی دارای تفکر و اندیشه‌های نرم‌افزاری/ سخت‌افزاری مدیریت و اجرا می‌شود. بنابراین دیپلماسی دفاعی با هدف ایجاد یا گسترش تفاهم و تعامل با نیروهای مسلح و تصمیم‌گیران راهبردی سایر کشورها با انگیزه محوری پیشگیری، تقلیل یا توقف منازعه است (ساعد و علیدوستی، ۱۳۹۰، ص. ۹۶). آنچه در جمهوری اسلامی به‌عنوان دیپلماسی دفاعی برداشت می‌شود، مدل نوینی است که مبتنی بر تعامل با دشمنان بالقوه، حسن زمامداری و حقوق بشر و توانمندسازی دولت برای مواجهه با مشکلات امنیتی می‌باشد. دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی تأکید دارد که اهداف قدرت سخت می‌تواند به‌وسیله ابزارهای قدرت نرم محقق شود (مطلبی، ۱۴۰۰، ص. ۸۱).

از جمله اقدامات دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به حضور در مأموریت‌های صلح‌بانی بین‌المللی با رویکردی فعالانه، حضور در نقاط بحران‌زا و کمک‌های فنی و مهندسی در این زمینه به کشورهای درگیر بحران، ارائه برنامه‌های آموزشی نظامی و دفاعی برای سایر کشورها و انتقال تجارب در زمینه‌های حفاظتی و امنیتی، نمایش توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در قالب مانورها و نمایشگاه‌های نظامی اشاره کرد که ارزش قدرت حاصل از آن‌ها می‌تواند در وجه شفقت‌آمیز اقدامات جمهوری اسلامی ایران نمود پیدا کند. البته درخشش نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از ارزش‌های قدرت در این بخش قرار گیرد. در واقع شکوه ج.ا.ایران در ارائه توانمندی‌ها در بخش‌های دفاعی می‌تواند تحسین بازیگران دیگر را به همراه داشته باشد که در نهایت به تولید اقتدار نظامی بیانجامد.

۴-۴. اقتصادی

۴-۴-۱. ترویج مدل اقتصادی مبتنی بر تاب‌آوری سیستمی در برابر فشارهای محیطی

در جهان پرتلاطم امروزی که سیستم‌های اقتصادی با مخاطرات محیطی عدیده‌ای روبه‌رو هستند، بهترین راه مقابله، ارتقای تاب‌آوری ملی است. در این رویکرد، سیستمی موفق است که بتواند مخاطرات موقت و دائمی را جذب و خود را با شرایط به‌سرعت متغیر انطباق داده بدون اینکه وجه کارکردی خود را از دست بدهد. در واقع، وجه اشتراک اقتصاد مقاومتی با ادبیات رایج علمی در حوزه اقتصاد، تاب‌آوری است. در واقع، زمانی که اقتصاد مقاومتی به معنای مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در مقابل

تغییرات، مخاطرات و تهدیدهای داخلی و خارجی بر سر راه پیشرفت و دستیابی به اهداف چشم‌انداز کشور تعریف می‌شود، تاب‌آوری ملازم با آن بررسی می‌شود (غیاثوند و عبدالشاه، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۱). جمهوری اسلامی از جمله کشورهایی است که در چهار دهه اخیر با شدیدترین تحریم‌های اقتصادی روبه‌رو بوده و شرایطی را پیش آورده که با مفروضات اساسی علم اقتصاد در تناقض است. اما کشورمان توانست با تولید دانش اقتصادی مبتنی بر شرایط تحریم و سیاست‌گذاری هدفمند برای خنثی‌سازی تحریم‌ها زیست در شرایط تحریم را بومی سازد و الگوی اقتصادی خود را به کشورهای تحریمی ارائه کند (سمعی‌نسب، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۷). این الگو دو وجه اصلی دارد: حفظ کارکرد سیستم اقتصادی و تاب‌آوری اجتماعی ناشی از فشارهای محیطی. اما پیاده‌سازی الگو نیازمند تعیین جهت‌گیری راهبردی دیپلماسی اقتصادی در شرایط جدید است که از آن می‌توان با عنوان «جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل» نام برد. این جهت‌گیری جدید اهداف زیر را دنبال می‌کند: (۱) خروج از محدوده تحریم‌پذیری و افزایش تاب‌آوری اقتصادی؛ (۲) خروج از زیست نفتی؛ (۳) کنش‌گری مؤثر اقتصادی و امنیتی در کریدورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ (۴) رفع محدودیت‌های ژئواکونومیک ایران از جمله چالش دستیابی به ذخایر خارجی و کالاهای اساسی (ترابی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۱، صص. ۱۶۸-۱۶۷).

ارز قدرت حاصل از این موضوع، وجه درخشندگی است که در قالب موفقیت‌های جمهوری اسلامی در جنگ اقتصادی و خنثی‌سازی تحریم‌ها نمود عینی پیدا کرده است و اقتصاد ایران را به یک اقتصاد پایا و تاب‌آور در برابر تکانه‌های اقتصاد جهانی تبدیل کرده است. این موضوع به خلق اسطوره شکست‌ناپذیری اقتصاد ایران در ذهن دیگر بازیگران کمک کرده و موجبات تحسین و ستاینده‌گی آن‌ها را از رویکرد اقتصادی جمهوری اسلامی به همراه داشت است. شکست راهبرد آمریکا در به صفر رساندن صادرات نفت ایران و رسیدن صادرات نفت ایران به نزدیک به ۲ میلیون بشکه در ماه می ۲۰۲۳ حکایت از این موفقیت در جنگ اقتصادی دارد.

۴-۲. موقعیت ژئواکونومیک ایران

ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته و به‌نظر می‌رسد سیاست نظامی که عامل مهمی در ژئوپلیتیک بوده جای خود را به اقتصاد داده است. بنابراین، مناطقی حائز اهمیت هستند که دارای نقش اقتصادی می‌باشند. شش منطقه آمریکای شمالی، اروپای غربی، خاورمیانه (خلیج فارس)، آسیای جنوب شرقی،

محور مسکو لنینگراد و هند مناطق ژئواکونومیکی جهان را تشکیل می‌دهند (نامی و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ۵۰). موقعیت ایران به لحاظ قرارگرفتن در شاهراه تجاری جهان، تسلط بر تنگه هرمز، دارابودن منابع و ذخایر زیرزمینی راهبردی، حمل‌ونقل ریلی و دریایی، بنادر و مناطق آزاد، صنایع دریایی و گردشگری ساحلی، خطوط لوله انتقال گاز به اروپا، بازار ۸۰ میلیونی، امنیت بالای انرژی و شیلات (سیاری و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۷۱)، پتانسیل‌های مناسب و راهبردی هستند که ظرفیت مناسبی را برای قدرت‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای می‌دهد.

موارد فوق نشان از ظرفیت‌های بالایی دارد که می‌تواند اقتصاد ایران را به یک اقتصاد متمول، پویا و سرزنده تبدیل کند؛ لذا ارزش قدرت حاصل از این موضوعات بیشتر دارای وجه درخشندگی است. هرچند به دلیل مدیریت ناکارآمد بر بسیاری از منابع اقتصادی، موارد فوق در قالب پتانسیل باقی مانده، اما با یک مدیریت هوشمند می‌توان از این ظرفیت‌ها تولید قدرت کرد و وجه مولدسازی آن را افزایش داد.

۴-۴-۳. نیروی انسانی جوان و نخبه‌دانشگاهی

نیروی انسانی مهم‌ترین منبع قدرت کشور تلقی می‌شود که مبتنی بر کمیت و کیفیت آن نیازمند سیاست‌گذاری راهبردی معطوف به آن است. شرایط تحریمی کشور بعد از انقلاب باعث شد که دستیابی به علم و دانش بومی در حوزه‌های علمی، فناوری، پزشکی، هسته‌ای و اقتصادی در زمره سیاست‌های کلان اقتصادی و علمی کشور قرارگیرد. تعداد بالای افراد تحصیلکرده و گسترش کیفی و کمی دانشگاه‌ها نشان‌دهنده اهمیت موضوع برای سیاست‌گذاران است. سازمان یونسکو در گزارشی اعلام کرده است: «ایران برای تقویت قدرت علمی خود در دانشگاه‌ها، یک نقشه راه در نظر گرفته و هدفی که این کشور تلاش می‌کند بدان دست پیدا کند، تبدیل شدن به قدرت اول علمی در منطقه است». ج.ا.ایران با توجه به پیشرفت‌های علمی و فناوریانه متکی بر نیروی انسانی خود، تلاش کرده از این ابزار برای نفوذ در سایر کشورها و بهبود قدرت نرم خود استفاده نماید. برای مثال، کشورهای منطقه با توجه به پایین بودن هزینه، ترجیح می‌دهند از متخصصان ایرانی برای احداث زیرساخت‌هایی چون سدسازی، جاده‌سازی، ارتباطات رادیویی و تجهیزات نظامی استفاده کنند. در کنار آن، توریسم پزشکی باعث پذیرش بسیاری از شهروندان

کشورهای منطقه به خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس شده و بر قدرت نرم ایران افزوده است (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵، صص. ۱۹۹-۱۹۸).

بخشی از نیروی انسانی همانند موقعیت ژئواکونومیک که در بالا به آن اشاره شد، بیشتر به عنوان پتانسیل قدرت در کشور باقی مانده و متأسفانه مولد نشده است؛ اما فشارهای محیطی ناشی از تحریم باعث شد که نیروی انسانی نخبه کشور در قالب شرکت‌های دانش‌بنیان، ساخت پیچیده‌ترین تجهیزات پزشکی، نظامی، نانو و هسته‌ای را در پیش گرفته که بسیار برای جمهوری اسلامی ایران در وجه درخشندگی ارزندگی قدرت به همراه داشته است. در واقع یکی از عوامل پیروزی ایران در جنگ اقتصادی نیروی انسانی نخبه‌ای بود که توانست با ورود به فناوری‌های نوین بسیاری از تأثیرات ناشی از ممنوعیت واردات تجهیزات به کشور را خنثی کند. همچنین ورود شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی به صنعت و اقتصاد کشورهایی چون سوریه، ونزوئلا، عراق و ترکیه و انتقال دانش و فناوری به این کشورها موجب خلق قدرت شفقت‌آمیزی شده که این رویه دوستانه جمهوری اسلامی موجبات قدردانی از سوی سیاستمداران این کشورها را به همراه داشته است.

۴-۴-۴. دیپلماسی اقتصادی پویا با همسایگان

دیپلماسی اقتصادی به مدیریت روابط اقتصادی بین دولت و دیگر بازیگران گفته می‌شود که توسط دولت یا عوامل غیرحکومتی هدایت می‌شود (Bryant, 1975). این مفهوم یکی از شاخص‌های ارزشمند برای فهم توان، ضعف و مقاصد یک دولت توسعه‌یافته یا در حال توسعه در اقتصاد جهانی است که اهدافی از جمله تسهیل فضای کسب و کار تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، گردشگری و دستیابی به فناوری و علم را پیگیری می‌کند. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ شرایط تحریمی تلاش کرده تا در حوزه دیپلماسی اقتصادی در سال‌های اخیر تلاش مضاعفی داشته باشد که این اقدامات از گسترش روابط دوجانبه با همسایگان و انعقاد قراردادهای فی‌مابین تا فعال‌سازی دیپلماسی چندجانبه از طریق نهادهای اقتصادی منطقه‌ای چون اکو و شانگهای پیگیری شده است. تعمیق و تداوم دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی می‌تواند به نتایج زیر منجر شود: تقویت بخش خصوصی و آزادسازی اقتصادی، دستیابی به علم و فناوری، تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز، بهبود تصویر کشور در میان همسایگان، توسعه صادرات و تجارت الکترونیک، جذب سرمایه‌های خارجی،

نفوذ در میان همسایگان و باثبات‌سازی محیط پیرامونی (موسوی شفايي و ايماني، ۱۳۹۶، صص. ۱۶۹-۱۵۶).

باتوجه به اینکه حوزه دیپلماسی اقتصاد عینی و دارای نمود است، ارز قدرت حاصل از این بخش نیز همانند موارد بالا بیشتر دارای وجه درخشندگی است. درواقع، موفقیت در جنگ اقتصادی و غلبه بر تحریم، سبب شد که جمهوری اسلامی بتواند دیپلماسی اقتصادی فعال و پویایی را با همسایگان و قدرت‌های جهانی غیرغربی ازجمله چین و روسیه داشته باشد و همسایگان را با رویه، اقدامات و سیاست‌های خود همراه سازد؛ تلاش کشورهای منطقه در حذف دلار از مبادلات تجاری خود و جایگزینی آن با ارزهای داخلی نشان از این نوع همراهی دارد که وجه درخشندگی قدرت جمهوری اسلامی ایران را بازنمایی می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد ابعاد قدرت جمهوری اسلامی ایران در چهار بعد سیاسی، فرهنگی- اجتماعی، نظامی- دفاعی و اقتصادی در قالب مفهوم ارز قدرت تبیین شود. ارز قدرت مفهومی است که تلاش دارد میان قدرت به‌مثابه «منبع» با قدرت به‌مثابه «رفتار» تفکیک قائل شود. درواقع، آنچه برای ارز قدرت اهمیت دارد، پویایی، ارزشمندی و ارزندگی آن است تا اینکه قدرت را به‌عنوان یک منبع ایستا و ثابت در نظر بگیریم. با این فهم از ارز قدرت، تلاش شد با شکافتن ابعادی که می‌تواند به‌عنوان منابع قدرت جمهوری اسلامی ایران تلقی شود، ارزهای حاصل از آن شناسایی شده و در سه وجه درخشندگی، زیبایی و شفقت مورد تبیین قرارگیرد. منبعث از چهارچوب نظری مقاله که در آن ارزهای قدرت در قالب الگوی مفهومی خرد و شاخص‌بندی شد، هریک از مؤلفه‌های ابعاد قدرت نشان‌داده شد که دارای چه بخشی از درخشندگی، زیبایی یا شفقت هستند. (مطابق جدول شماره ۱) هدف کلی مقاله مفهوم‌پردازی ارز قدرت و تبیین ابعاد قدرت جمهوری اسلامی ایران در قالب ارزهای قدرت بود که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی برای ارتقای قدرت خود چگونه می‌تواند با استفاده از ارزها، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قدرت‌افکنی کند. یافته‌های این مقاله می‌تواند هم از سوی جامعه دانشگاهی به‌عنوان نگاهی نوین به مفهوم قدرت مورد استفاده قرارگیرد و هم از سوی سیاست‌گذاران راهبردی کشور در چگونگی راهبردپردازی در ابعاد قدرت ملی. درواقع ارز قدرت نه خود قدرت است و نه منابع آن، بلکه چگونگی نگاه به قدرت است که می‌تواند این نگاه به ارزندگی و

ارزش افزودگی قدرت منتهی شود. جدول زیر نتایج و یافته‌های مقاله را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های قدرت ج.ا.ایران بر پایه مفهوم ارز قدرت

| عنوان | بُعد | مؤلفه | شاخص (ارز قدرت) |
|---|------------------|---|------------------------------------|
| قدرت جمهوری اسلامی ایران | سیاسی | حمایت از مستضعفین، گروه‌های جهادی و نهضت‌های آزادی‌بخش | زیبایی |
| | | | شفقت |
| | | تحقق الگوی اسلام سیاسی مبتنی بر نظام ولایی و مردم‌سالاری دینی | زیبایی |
| | | | درخشندگی |
| | | بسط عدالت‌محوری به جای قدرت‌محوری | زیبایی |
| | | مقاومت و استقلال‌خواهی در برابر سیاست‌های سلطه‌گرایانه | زیبایی |
| | | | درخشندگی |
| | | | شفقت |
| | | اقدامات بشردوستانه و خیرخواهانه | شفقت |
| | | تأمین ثبات و امنیت داخلی به رغم تهدیدات پیرامونی | درخشندگی |
| قدرت جمهوری اسلامی ایران | فرهنگی - اجتماعی | اقتدار در حوزه ژئوکالچر تمدن ایرانی | زیبایی |
| | | | شفقت |
| | | نفوذ در حوزه ژئوکالچر شیعی | زیبایی |
| | | | شفقت |
| | | وحدت در حوزه ژئوکالچر اسلامی | زیبایی |
| | | ترویج فرهنگ عاشورا | زیبایی |
| | | ترویج فرهنگ انتظار | زیبایی |
| خودانگیزی دفاعی مبتنی بر توانمندی داخلی | درخشندگی | | |
| دفاعی - نظامی | دفاعی - نظامی | پایبندی به اصول سیاست دفاعی | زیبایی |
| | | | بازدارندگی مبتنی بر دفاع همه‌جانبه |
| | | دیپلماسی دفاعی فعالانه | زیبایی |
| | | | درخشندگی |
| اقتصادی | اقتصادی | ترویج مدل اقتصادی مبتنی بر تاب‌آوری سیستمی در برابر فشارهای محیطی | درخشندگی |
| | | | موقعیت ژئواکونومیک ایران |
| | | نیروی انسانی جوان و نخبه‌دانشگاهی | درخشندگی |
| | | | شفقت |
| | | دیپلماسی اقتصادی پویا با همسایگان | درخشندگی |

فهرست منابع

- آصفی، محمدمهدی (۱۳۸۶). *طرح وحدت اسلامی*، اندیشه تقریب، ۱۲ (۴)، صص. ۱-۲۶.
- ترابی فرد، میلاد؛ رزم‌آهنگ، مهدی؛ قاسمی، فرزانه (۱۴۰۱). *خنثی‌سازی تحریم و جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل به مثابه نقشه راه جدید دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه روابط خارجی، ۱۴ (۵۶)، صص. ۱۷۵-۱۴۱.
- جانفشان، سیدمهدی (۱۳۹۴). *تأثیر ژئوپلیتیک نوین شیعه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، پروژه دانشجویی، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی: گروه دکترین و راهبردها.
- جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۸). *نقش و جایگاه گفتمان انقلاب اسلامی در سیاست بین‌الملل*، فصلنامه خط اول رهیافت انقلاب اسلامی، ۳ (۸)، صص. ۶۱-۸۶.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸). *جغرافیای سیاسی ایران*، چاپ ۳، تهران: انتشارات سمت.
- سازمانده، بهاره؛ درستکار، زهرا (۱۴۰۱). *راهبرد قدرت هوشمند چین در آفریقا*، فصلنامه روابط خارجی، ۱۴ (۵۴)، صص. ۱۶۷-۱۹۳.
- سمیعی‌نسب، مصطفی (۱۳۹۳). *دیپلماسی اقتصادی*، راهبرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی، فصلنامه آفاق امنیت، ۷ (۲۵)، صص. ۱۴۷-۱۱۵.
- سیمبر، رضا؛ احمدعلی مقیمی (۱۳۹۴). *منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران*، فصلنامه سیاست جهانی، ۴ (۱)، صص. ۷-۳۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۴). *جزوه درسی نظریات روابط بین‌الملل*، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). *گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، معرفت سیاسی، ۱ (۱)، صص. ۱۵۷-۱۹۳.
- ساعد، نادر؛ علیدوستی، قاسم (۱۳۹۰). *دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواره الگوی مدیریت آن در جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه راهبرد دفاعی، ۹ (۳۴)، صص. ۸۵-۱۲۰.
- سیاری، حبیب‌الله؛ نوذری، فضل‌الله؛ الهامی، امیرحسین؛ حسن‌پور، حمید (۱۴۰۱). *نقش عوامل ژئواکونومیک در ارتقای وزن ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۰ (۹۰)، صص. ۱۵۹-۱۸۰.

- سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۳). *دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی لبنان*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- قاسمی، زهرا؛ حسینی، سید محمدمبین (۱۳۹۲). *جایگاه و حدت و انسجام در اسلام با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری*، فصلنامه علی - تخصصی اسلام و علوم اجتماعی، ۵ (۹)، صص. ۱۶۴-۱۴۷.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۳). *تعهد دولت‌ها به ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه، حقوق تطبیقی*، ۱۰ (۲)، صص. ۴۳-۲۱.
- قیصری، نورالله؛ خضری، احسان (۱۳۹۵). *سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان*، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۰ (۳۷)، صص. ۷۴-۵۷.
- غلامی، سعید (۱۳۹۸). *دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر فناوری موشکی)*، سیاست دفاعی، ۲۷ (۱۰۷)، صص. ۱۶۰-۱۲۵.
- غلامی، محمد؛ رشیدی، احمد؛ اختیاری امیری، رضا (۱۴۰۱). *ایران فرهنگی و همگرایی تمدنی در آسیای مرکزی و قفقاز*، فصلنامه روابط خارجی، ۱۴ (۵۳)، صص. ۲۳۱-۲۱۵.
- غفاری قدیر، جلال؛ بهستانی، مجید؛ خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۶). *ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی*، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی دانشکده علوم انسانی اسلامی و قدرت نرم دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۷ (۱۶)، صص. ۱۲۴-۹۱.
- غیاثوند، ابوالفضل؛ عبدالشاه، فاطمه (۱۳۹۴). *مفهوم ارزیابی تاب‌آوری اقتصادی ایران*، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۵ (۵۹)، صص. ۱۸۷-۱۶۱.
- عسگری، محمود (۱۳۹۷). *فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: عوامل و ویژگی‌ها*، فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱۶ (۶۱)، صص. ۱۲۷-۸۷.
- مطلبی، مسعود (۱۴۰۰). *دیپلماسی دفاعی در گام دوم انقلاب اسلامی: اهداف، راهبردها و الزامات*، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۷ (۲۶)، صص. ۹۸-۷۵.
- مایلی، محمدرضا؛ مطیعی، مریم (۱۳۹۵). *قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۹ (۳۵)، صص. ۲۰۸-۱۸۹.
- موسوی شفیعی، مسعود؛ ایمانی، همت (۱۳۹۶). *دیپلماسی اقتصادی: رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران*، فصلنامه راهبرد، ۲۶ (۸۴)، صص. ۱۲۷-۸۷.

- نامی، محمدحسن؛ محمدپور، علی؛ عباسی، علیرضا (۱۳۸۸). *تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه*، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۵ (۲)، ۴۱-۶۵.

References

- Bryant, W. (1975), Japanese Private Economic Diplomacy. NY: Praeger Publisher.
- Mingjiang Li, (2009) "Domestic Sources of China's Soft Power Approach," China Security, Vol. 5, No.2, pp. 25-51.
- Nye, Joseph S., (February 2006), "Think Again: Soft Power," Foreign Policy, web exclusive at: http://www.foreignpolicy.com/story/cms.php?story_id=3393
- Nye, Joseph S., (2008), The Powers to Lead, New York: Oxford University Press.
- Vuving, Alexander. L (2009) How Soft Power Works?, Paper presented at the American Political Science Association annual meeting, Toronto, September 3, 2009.